

شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی با رویکردی مبتنی بر نظریه

داده‌بنیاد با نگاهی به آموزش عالی

وجیهه کریمی^{1*}؛ عبدالرحیم نوه‌ابراهیم²؛ حمیدرضا آراسته³؛ محمدرضا بهرنگی⁴

دریافت: 93/06/27

پذیرش: 93/11/30

چکیده

سوالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه محقق ساخته به روش محتوایی و هم‌زمان و پایایی به ترتیب با روش ضریب توافق (90/04) و آلفای کرونباخ (0.87) محاسبه گردید. یافته‌های کیفی مبتنی بر تحلیل داده‌ها به روش داده‌بنیاد و یافته‌های کمی حاصل تحلیل رگرسیون چندگانه و شاخص‌های توصیفی می‌باشد. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که 9 عامل اصلی و 33 عامل فرعی به‌طور کلی بر مقوله محوری مطالعه حاضر مؤثر می‌باشد که در قالب شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی قابل تبیین می‌باشند. **واژگان کلیدی:** مدیریت، توسعه علمی، علوم انسانی.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی با رویکردی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و آزمون این عوامل در وضعیت موجود آموزش عالی صورت گرفته است. بدین منظور با روش تحقیق توصیفی پیمایشی و رویکردی آمیخته، پژوهش در دو بخش کیفی و کمی به‌صورت متوالی انجام پذیرفت. در بخش کیفی 14 نفر از صاحب‌نظرترین افراد به کمک روش نمونه‌گیری هدفمند و در بخش کمی، تعداد 245 نفر به روش تصادفی ساده از بین اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی و پیام‌نور استان اصفهان (تعداد 670 نفر) گزینش شدند. روایی

1. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام‌نور (*نویسنده مسئول) vajiheh_karimi59@yahoo.com

2. دانشیار مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی naveh1954@yahoo.com

3. دانشیار مدیریت آموزشی عالی، دانشگاه خوارزمی heplanning@yahoo.com

4. استاد مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی mrbhrangi@yahoo.com

مقدمه

امروزه باور عمومی جهانی آن است که یکی از محورهای اصلی توسعه هر کشوری برخورداری از علم و پیشرفت در آن است و حتی بدون در نظر گرفتن مدل توسعه آنها، توجه به توسعه علمی دارای نقشی پایه‌ای، پایدار و کلیدی است (بور، آلام و میلر، 2007). در این بین توجه به توسعه علوم انسانی از منظر گوناگون حائز اهمیت بیشتری می‌باشد. از یک سو این علوم به دلیل ارائه چشم‌اندازی روشن از جوامع، این امکان را فراهم می‌سازند تا با درک فرهنگ‌ها و بنیادهای اندیشه‌ای بتوان به بینشی جامع دست یافت که لازمه تجدید قوای موتور مولد کشورها می‌باشد (لیچ، 2011) و از سوی دیگر ستون‌های اصلی یک جامعه بر رهبری و مدیریت زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی استوار است و همه این علوم جزء علوم انسانی قرار می‌گیرند؛ همچنین ایده‌ها و اندیشه‌های بنیادی جهت تقویت یکپارچگی اجتماعی، توان‌بخشی اقتصادی و انتقال ارزش‌های شهروندی نیازمند درک و فهم علوم انسانی است. بنابراین زمانی که یک جامعه از توسعه همه‌جانبه و دستیابی به توسعه علمی صحبت می‌کند، توجه به توسعه علوم انسانی در رأس همه عرصه‌های علم قرار می‌گیرد و گسترش علوم طبیعی، پزشکی و علوم پایه، نیز (به شکل غیر مستقیم) از میزان و نحوه توسعه علوم انسانی و مدیریت این حوزه متأثر می‌شوند (کارنما، 287:1387).

ولی متأسفانه آمارهای موجود درباره توسعه علوم انسانی در ایران (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، 1386) گویای آن هستند که گرچه علوم انسانی از نظر شاخص‌های کمی بزرگ‌ترین بخش آموزش عالی محسوب می‌شود ولی نتوانسته نقش و جایگاه واقعی خود را به خوبی در توسعه جامعه ایفا نماید و مدیریت توسعه علمی در این حوزه با نقصان‌هایی

چشمگیر مواجه است (عزیزی، 204:1387). براساس داده پایه شاخص ملی علم¹ و آمارهای به‌دست آمده از منبع اسکوپوس² (2012)، نیز گرچه مشارکت ایرانیان در تولید علم از سال 2006 تا 2011 افزایش یافته و از لحاظ میانگین ده ساله تولید علم، رتبه 27 از آن ایران شده است ولی بر اساس اطلاعات موجود در همین منابع، رتبه ایران در حوزه علوم انسانی و هنر 45؛ در حوزه علوم اجتماعی 43؛ و در حوزه علوم رفتاری و روان‌شناسی 41 می‌باشد (اسکوپوس، 2012). با این وجود بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که توسعه علمی در حوزه علوم انسانی در کشورهای توسعه یافته نیز تا چند دهه گذشته، نهادینه نشده و برنامه‌های مدیریتی آن خصوصاً در حوزه علوم انسانی با پراکندگی روبرو بوده است (شروید، 1990). در همین راستا در کشورهای توسعه‌یافته کوشش‌های وسیعی از نظر تئوری و عملی به‌منظور بررسی علل و عوامل تأثیرگذار بر توسعه علمی صورت گرفته است که با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها و نگرش‌ها، ابعاد و جوانب گوناگونی از این پدیده را نمایانگر ساخته است. حاصل مطالعات اسنادی این پژوهش درباره بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علمی وجود حداقل پنج دسته عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، مدیریتی - ساختاری، آموزشی و پژوهشی را در مطالعات گذشته نشان می‌دهد که در جدول زیر تلخیص و ارائه گردیده است:

با استناد به مطالب و عوامل عنوان شده در جدول فوق می‌توان چنین استنباط نمود که گرچه این عوامل تا حدودی به همه حوزه‌های علمی عنایت دارند ولی، به‌طور خاص عوامل مؤثر بر توسعه علوم انسانی و مدیریت آن در این پژوهش‌ها مورد کنکاش واقع نشده و در هاله‌ای از ابهام است.

1. National Science Indicator
2. SCOPUS

جدول 1. عوامل پنج‌گانه مؤثر بر مدیریت توسعه علمی در مطالعات اسنادی

-1 عوامل اقتصادی
<p>توجه به مداخله دولت و توجه به تأمین مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به صورت دولتی و تأثیر قابل توجه آن بر بهبود دستاوردها و ستانده‌های علمی؛ این‌ها بر (1977: 518)؛ جیمز (1986)؛ برینکم (1990)؛ شفر (2000: 882)؛ لانتون (2008)؛ هود (2008)؛ استیونز (2005)؛ کلمینز (2010)¹.</p> <p>افزایش حمایت‌های مالی نظام‌مند دولت از نهادهای مرتبط با تحقیقات؛ رحمان سرشت (1994)؛ آراسته (1386)؛ سولینگن (2003).</p> <p>حمایت از دانشمندان؛ تحقیقات بنیادین و تولیدات علمی و توجه به رویکرد عمل‌گرا محور در تخصیص بودجه تحقیقات؛ مک و وود (1997)؛ کلمینز (2011)؛ نیومن و گوتری (2002)؛ اندرسون و جانسون (1998)؛ جدول بودجه استرالیا (2013)؛ هایتون و پاسوسکا (2004)؛ گزارش اتحادیه اروپا (2011، 2013)؛ روبین (2013)².</p> <p>افزایش سهم آموزش و تحقیق از درآمد ناخالص ملی کلمینز (2011)؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (1380: 1229-1203)؛ انتظاری (1392)؛ شریفی (1380)؛ خورسندی (1387).</p> <p>سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نهادهای مستقل در پژوهش؛ عبادالهی (1380)؛ قبادی (1387: 22)؛ توفیقی و فراستخواه (2002).</p> <p>تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز برای فعالیت‌های علمی طولانی‌مدت و هزینه‌بر؛ هایتون و پاسوسکا، (2004).</p> <p>تخصیص سرمایه جهت ایجاد و گسترش واحدهای کوچک و متوسط دانش‌بنیان؛ کلمینز (2010).</p>
-2 عوامل آموزشی
<p>توسعه و تقویت هر یک از چهار مؤلفه اصلی استاد، دانشجو، محتوا، روش و فناوری‌های آموزشی متناسب با مؤلفه‌های دیگر (مهدی و همکاران، 1388).</p> <p>جذب نیروی انسانی با انگیزه به‌عنوان دانشجو؛ رفیع‌پور (1381)؛ خورسندی (1387: 15)؛ جکسون (2013)؛ قبادی (1387: 22)؛ بهرنگی (1387: 156)، واتلر (2006: 16)؛ شمشیری (1387).</p> <p>افول استانداردهای آموزشی، سردرگمی و عدم هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی؛ بلوم (1982: 163)؛ بانر (1999: 80)؛ جکسون³ (2013).</p> <p>ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای؛ کلین (1998)؛ سیپل (2006)؛ هولم (2005)؛ گاردنر و مانسیلا⁴ (2003).</p> <p>ضعف در تدریس (استیگلر، 2001: 109).</p>
-3 عوامل پژوهشی
<p>توجه به نفوذ متخصصان دانشگاهی و تسلط و اقتدار ارزش‌های آنان در تمامی مراحل پژوهش اسدزاده (2007: 216)؛ گری (2008: 12).</p> <p>شناخت دقیق مسئله پژوهشی؛ هولت (2008: 71).</p> <p>انتشار مقالات با عامل اثرگذاری بالا؛ هیک (2004)؛ مود (2007)⁵.</p> <p>ضعف در مخاطب‌شناسی، پاسخ‌گویی، انعطاف‌پذیری و کنترل کیفیت پژوهش؛ هنینک (2004)؛ مجومدر (2004)؛ پیترسون (2007)؛ نووتنی (2006: 165)⁶.</p> <p>توجه به دو قطب دانشگاه و صنعت و دو نوع تحقیق بنیادی و کاربردی (پیگانیل، 2010: 30).</p> <p>نقش ارزیابی مستمر نتایج تحقیقات؛ گوان و چن (2010)؛ گزارش اتحادیه اروپا (2008).</p> <p>ارائه خدمات تخصصی، مستندسازی پژوهش‌ها و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی و آمار؛ لوانسینک و گلانو⁷ (2001)؛ صبوری (2004).</p> <p>نقصان در بنیادها و شالوده به‌دلیل حیثیتی قلمداد شدن نیاز به پژوهش در جوامع در حال توسعه از جمله ایران، نه یک نیاز حقیقی (داوری، 2000: 11).</p> <p>فقدان مطالعات میان‌رشته‌ای؛ کلین (2005)؛ سیپل (2006)؛ هولم (2005)؛ گاردنر و مانسیلا (2003).</p> <p>باز تولید، تکرار و خرده‌کاری در تولید علم و کم‌توانی در نوآوری‌های علمی، فقر نواندیشی و نظریه‌پردازی علمی؛ لطف‌آبادی (1380)؛ شکروری (1383).</p>

1. In Haber, Jimenes, «Brinkman» Evan Schofer, Hood, Lantun, Stevens, Clemins
2. Clemins, Mack & Wood, Anderson & Janson, Science, Research and Innovation Budget Tables, Numan & Gotry, Hayton & Paczuska, Report of UE, Robin
3. Bloom, Banner, Jackson
4. Klien, Seipel, Holm, Gardner & Mansila
5. Hicks, Moed

6. Hennink, Majumder, Peterson, Nowotny
7. Levacic & Glatter

4- عوامل فرهنگی - اجتماعی	<p>تشکیل، تقویت و استفاده مطلوب از توانمندی اجتماعات و انجمن‌های علمی به‌عنوان خرد جمعی؛ ساروخانی و ملک (1387: 240)، فراستخواه (1382: 27)؛ شاپین و شافر (2003)؛ آراسته (1386).</p> <p>ارتباطات علمی گسترده و تعاملات سازنده جهت رویارویی با مسائل واقعی؛ ابراهیمی (1388)؛ کارنما (1387: 289)؛ کریمیان (2010: 3).</p> <p>تبادلات آکادمیک بین کشورها؛ لورد و ترکیان (2007: 769)؛ دوبریانسکی (2006).</p> <p>ایجاد یک همکاری دوطرفه بین دانشمندان و مردم دفتر علم و تکنولوژی؛ بریتانیا¹ (2004).</p> <p>عناصر فرهنگی مساعد برای توسعه علمی: توجه به انسان و ارزش فرد، عقلانیت، جدی گرفتن حیات دنیوی و مادی، تجربه‌گرایی، شک و بازاندیشی انتقادی و برخورداری از حقوق و آزی‌های فردی و حق مشارکت اجتماعی (فراستخواه، 1381).</p> <p>حاکمیت روابط به جای ضوابط، فقدان فرهنگ پژوهش (شاه‌حسینی، 1381).</p> <p>تقویت اخلاقیات علمی؛ فضل‌الهی (2012)؛ سوماتیپالا و همکاران (2004)؛ شلر (1996)؛ اسکاربرور² (2001: 195).</p> <p>تسلط روحیه و روش عنینت‌گرایی و کمیت‌گرایی و از نظر مالی و اقتصادی سودمند بر دانشمندان؛ میرفردی (2008: 266)؛ هالفینی (2008).</p> <p>کمبود ابتکار، جسارت و خلاقیت در تولید اندیشه؛ فکوهی (1379)؛ عیوضی (1387: 283)؛ ربانی و همکاران (1390)؛ فضل‌الهی (1391)؛ خورسندی (1387)</p>
5- عوامل مدیریتی - ساختاری	<p>ضعف مدیریت علمی، وجود استبداد مدیریتی و مدیریت شتاب‌زده بر کانون‌های علمی و دانشگاه‌ها؛ منصور (1383)؛ صدیق (1381)؛ نورمحمدی (1381)؛ کیوانی (1383: 5)؛ فونک (1995)؛ مک‌کلینتون (1997)؛ هوپکینز (2001).</p> <p>فراوندهای پشتیبان مدیریتی، ساختارهای مدیریت و برنامه‌ریزی، محیط حقوقی مبتنی بر آزادی فکر؛ توفیقی و فراستخواه (1381: 10)؛ فوهرمن (2001)؛ هود (2005)؛ هولت (2008: 71).</p> <p>توسعه زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات، توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات، توسعه منابع انسانی و ارزیابی و نظام اعتبارسنجی و نظارت ملی، استقرار نظام‌ها، سیستم‌ها و ساختارهای مناسب؛ توفیقی و فراستخواه (2002: 10)؛ فوهرمن (2001)؛ الید (2008)؛ هولت³ (2008: 71)؛ عبادالهی (1387: 237)</p> <p>تقویت «سازمان علم» شامل: «نظام پاداش‌دهی»، «نظام ارتباطی»، «نظام حقوقی»، «نظام اداری» و عنصر «مدیریت»؛ عبادالهی، (1387: 237).</p> <p>حمایت‌های سازمانی از برنامه‌های توسعه علم؛ شلر (2007)؛ مورای (2007).</p> <p>تعیین سیاست‌های دقیق و هم‌زمان علمی؛ گومت (1991: 35)؛ پیگانیل (1991: 30)؛ صبور (2010: 53)؛ قربانی (1385).</p> <p>توسعه ساختارها پیش از توسعه بسترها؛ ساکی، (1387: 41).</p> <p>آزادی علمی و استقلال دانشگاهی؛ آراسته (1383: 4)؛ خورسندی (1387: 28)؛ توفیقی و فراستخواه (1381: 10)؛ کلارک (2006)؛ مرتون (1993: 227)؛ گلور و استابریج⁴ (1383: 79).</p>

مفید و مؤثر در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد کشور ایفا کرده و به بهبود طرح‌ها، برنامه‌ها و واقع‌بینانه‌تر شدن تصمیم‌گیری‌ها کمک قابل توجهی نماید. همچنین مدیریت و سیاست‌گذاری‌های صحیح و اصولی این حوزه می‌تواند نسل جدیدی از بینش‌ها و بنیادهای صحیح علمی و فرهنگی را خلق کرده و آن را دست‌مایه کسب توسعه در سایر بخش‌ها قرار داد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی، طراحی الگوی پارادایمی پدیده مورد نظر و آزمون این عوامل در وضعیت موجود آموزش عالی صورت گرفته است.

وجود دلایل قابل تأمل همچون تفاوت‌های ماهیتی، اختلاف در دیدگاه‌های معرفت‌شناختی در حوزه علوم انسانی و پیچیدگی تفکر انسان منجر به آن گردیده که نتوان با اقتباس و الگوگیری صرف از عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه سایر علوم به نتایجی متقن در حوزه علوم انسانی دست یافت و لازم است با نگاهی جامع‌تر و در پژوهشی مستقل، عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی مورد بررسی قرار گیرند. همچنین با توجه به مطالب تبیین شده، می‌توان چنین برآورد کرد که موفقیت در زمینه مدیریت توسعه علوم انسانی می‌تواند در کشوری در حال توسعه چون ایران، نقشی

1. Science and Technology Office in UK
2. Sumatipala et al, Schler, Scarbrough
3. Fuherman, Olade, Holt
4. Clark, Merton, Glour & Stabrich

به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش در ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای، عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از روش کیفی ابعاد نهفته پدیده مورد مطالعه بررسی و تکمیل شد. پس از بررسی زمینه مورد نظر به کمک روش داده‌بنیاد و زمینه‌ای، متغیرهای مورد مطالعه، شناسایی و کدگذاری شده و اقدام به طراحی الگوی پارادایمی شد. در انتها بخش کمی پژوهش در سه مرحله اجرا شد. در مرحله اول به بررسی تناسب سنجی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی به کمک مصاحبه‌شوندگان پرداخته شد. در مرحله دوم بر روی 30 نفر از افراد جامعه آماری اجرای آزمایشی ابزار پژوهش صورت گرفت و داده‌ها جهت بررسی میزان روایی و پایایی ابزار طراحی شده، جمع‌آوری گردید. به‌منظور تأیید روایی، پژوهشگر علاوه بر روایی محتوایی⁴ و اعمال اصلاحات ساختاری - علمی به کمک آن، از روایی هم‌زمان نیز استفاده کرد. برای تعیین روایی هم‌زمان ابزار تحقیق، اضافه بر طراحی و استخراج گویه‌های ابزار از درون مصاحبه‌ها، یک سوال نیز به‌طور کلی در مورد مؤلفه مورد بحث به مجموعه سوالات هر مؤلفه اضافه شد تا در محاسبه روایی مورد استفاده قرار گیرد. کلیه ضرایب همبستگی به‌دست آمده در سطوح 0.05 و 0.001 معنادار بوده و به این ترتیب می‌توان اذعان نمود پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی از روایی هم‌زمان مطلوبی برخوردار است و می‌تواند به درستی سازه مورد نظر را اندازه‌گیری نماید.

همچنین اطلاعات جدول (2) نشان می‌دهد که همسانی درونی عوامل توسط آلفای کرونباخ بررسی شده که حدود 0.65 و بالاتر است و نشان‌دهنده پایایی بالای عوامل فرعی در راستای عامل اصلی و قابلیت

جدول 2. پایایی و ضرایب همبستگی مجموع سؤالات و سؤالات کلی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی

عوامل	آلفای کرونباخ	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تامین منابع مالی و مادی	0.73	0.76	0.05
تداخل نگرش‌ها	0.74	0.69	0.001
سیاست‌گذاری و برنامه‌...	0.65	0.77	0.05
قوانین و مقررات	0.68	0.66	0.05
فرهنگ	0.79	0.67	0.05
مسائل معرفت‌شناختی	0.65	0.72	0.001
مدیریت حرفه‌ای	0.69	0.69	0.001
نگرش اجتماع	0.76	0.75	0.001
ساختار و فرایند	0.77	0.68	0.05
مجموع	0.80	-	-

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از حیث هدف، هم توسعه‌ای¹ و هم کاربردی² است و از نظر نوع داده‌ها هم در زمره روش‌های کمی و هم روش‌های کیفی و به عبارتی روش ترکیبی³ قرار گرفته است. همچنین به‌منظور گردآوری داده‌ها از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. با توجه به قلمرو موضوعی، جامعه آماری این تحقیق در هر دو بخش کمی و کیفی، کلیه اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی و پیام‌نور استان اصفهان در سال تحصیلی 93-1392 هستند. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی 14 نفر از صاحب‌نظرترین افراد در بین جامعه آماری شناسایی و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. در بخش کمی برای تعیین نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. تعداد جامعه آماری 670 نفر بود و تعداد نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و با تعدیل نمونه، 245 نفر برآورد گردید.

1. Developmental Research
2. Applied Research
3. Mixed Method

4. Ralidity

است. بنابراین تحلیل‌های کیفی از مصاحبه‌های انجام شده، 9 عامل را بر مدیریت توسعه علوم انسانی مؤثر عنوان کرده است که به شرح مختصری از هر یک پرداخته می‌شود:

1- **تامین منابع مالی و مادی:** الزام تأمین مالی و مادی برای توسعه علم و فناوری در همه حوزه‌ها به اثبات رسیده است. امکانات مالی در حوزه علوم انسانی، در حال حاضر به دو شکل دولتی و خصوصی با غلبه یکی بر دیگری تأمین می‌گردد.

سرمایه‌گذاری‌های دولتی به شکل اعتبارات تخصیصی و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی به شکل ارتباط با صنعت و سایر ذی‌نفعان ملاحظه می‌شود که هر دوی آنها در حوزه علوم انسانی ایران ناچیز می‌باشد. از این رو از دیدگاه صاحب‌نظران مورد مصاحبه، عدم تأمین منابع مالی و مادی در حوزه علوم انسانی یکی از چالش‌های اساسی این حوزه مطرح گردیده است.

2- **تداخل نگرش‌های سیاسی و علمی:** در اکثر کشورها نظام سیاسی تمایل دارد اهرم‌های نفوذ خود را در نظام علمی وارد کند، این نفوذ اغلب از طریق سیاست‌های اقتصادی اعمال می‌شود ولی در برخی موارد با توجه به موضوعیت علوم، به شکل دیگری همچون ممانعت از آزادی علمی، دخالت در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، اعمال‌نظرهای غیر حرفه‌ای و مدیریت دیکتاتورگرا صورت می‌گیرد. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان در حوزه علوم انسانی ایران نیز به جهت حساسیت‌های سیاسی همواره محدودیت‌هایی برای این حوزه به وجود آمده است.

3- **سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک:** عدم ارائه چشم‌اندازهای روشن و برنامه‌های راهبردی در دهه‌های گذشته برای حوزه علوم انسانی زمینه‌ساز عدم دستیابی به اهداف کمی و کیفی در این حوزه گردیده است.

اعتماد مطلوب عوامل مورد بررسی می‌باشد. در مرحله سوم به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردید. این پرسش‌نامه با توجه به نتایج حاصل از مطالعه اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل پاسخ سوالات مصاحبه به منظور بررسی وضع موجود عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی تدوین گردید و متشکل از 9 عامل و 45 سوال یا گویه در مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت می‌باشد. جهت تحلیل داده‌های کمی از نرم‌افزار آماری SPSS و روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شده است.

اطلاعات و داده‌ها

یافته‌های این پژوهش مشتمل از یافته‌های کیفی و کمی می‌باشد. یافته‌های کیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از مصاحبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی و پیام‌نور استان اصفهان بر اساس نظریه داده‌بنیاد می‌باشد (جدول شماره 3).

بدین منظور در بخش کیفی پژوهش پس از استخراج نکات کلیدی مصاحبه‌ها (79 نکته) و خارج ساختن از حالت جمله‌ای و حذف موارد تکراری، کدگذاری باز صورت گرفت. این کدها حاصل بررسی دقیق مشابهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم ارائه شده در پاسخ به سؤالات بود و بدون در نظر گرفتن روابط بین آنها و صرفاً به‌عنوان مفاهیم و گزاره‌های مفهومی جمع‌آوری گردید. بعد از مراجعه مکرر به مصاحبه‌ها، استفاده از نظر خبرگان و برقراری ارتباط منطقی بین کدهای باز، تعداد این کدها به 33 کد باز رسید. در گام بعدی این فرایند برای شکل‌گیری مقوله ادامه یافت. به گونه‌ای که مفاهیم مشترکی که مبنای موضوعی داشتند در کنار هم، شکل‌گیری مقوله را متجلی ساختند. بعد از بازبینی فراوان مصاحبه‌ها و برقراری ارتباط منطقی بین کدهای باز، تعداد این کدها به 9 زیرمقوله رسید که در جدول (3) آمده

جدول 3. کدهای باز و محوری مدیریت توسعه علوم انسانی

کدهای محوری	کدهای آزاد
	1 سرمایه‌گذاری دولتی برای پژوهش و حمایت‌های مالی از نهادهای مرتبط با تحقیقات علوم انسانی
	2 سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای پژوهش این حوزه
تامین منابع مالی و مادی	3 تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز برای انجام فعالیت‌های علمی طولانی مدت در علوم انسانی
	4 تخصیص سرمایه جهت ایجاد و گسترش واحدهای کوچک و متوسط دانش‌بنیان در حوزه علوم انسانی
	5 سرمایه‌گذاری برای آموزش در حوزه علوم انسانی
	6 تداخل نگرش‌های سیاسی و علمی در مورد این علوم
تداخل نگرش‌ها	7 حساسیت‌های سیاسی به پژوهش‌های علوم انسانی
	8 شفافیت سیاست‌های نظام سیاسی برای علوم انسانی
	9 چشم‌انداز روشن از توسعه علوم انسانی
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	10 تدوین استراتژی‌های کارآمد در جهت توسعه این علوم
	11 اهداف و اولویت‌بندی مناسب برای توسعه علوم انسانی
	12 برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست‌های توسعه این علوم
	13 تصویب قوانین و مقررات حمایت‌کننده از طرح‌های ...
قوانین و مقررات	14 قوانین حمایت‌کننده از استادان و پژوهشگران حرفه‌ای
	15 وجود طرح مدون برای حمایت مالی از فعالیت‌های علمی با کیفیت
	16 فرهنگ‌سازی و اشاعه ارزش‌های مربوط به علم
فرهنگ	17 نقص فرهنگ پژوهش و عادت به مصرف‌گرایی علمی..
	18 کهنه‌گرایی و اقتباس‌گرایی در علوم انسانی
	19 بحران سودمندی علوم انسانی از منظر اجتماعی
	20 نقص در نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی
مسائل	21 انتقال و تعمیم روش‌شناسی تجربی به علوم انسانی
معرفت‌شناختی	22 سپری نشدن مراحل تکامل تدریجی این علوم در ایران
	23 عدم خلق مفاهیم مورد اجماع در رشته‌های گوناگون
	24 بهبود سیاست‌های اقتصادی در پژوهش‌های علوم انسانی
مدیریت حرفه‌ای	25 بهبود سیاست‌های اقتصادی در آموزش علوم انسانی
	26 صبوری و سعه صدر در مواجهه با موضوعات ...
	27 تغییر نگرش مدیران درباره به‌کارگیری نتایج تحقیقات
نگرش مدیران و اجتماع	28 مهجوریت علوم انسانی و به فراموشی سپرده شدن نقش..
	29 بالابودن مطالبه اجتماعی از اندیشمندان این حوزه
	30 غلبه تفکر مهندسی و دخالت متخصصین سایر رشته‌ها در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای این علوم
	31 نبود ساختار دانشگاهی حمایت‌گر نسبت به مهارت‌ها و توانایی‌های آموزشی - پژوهشی اساتید و دانشجویان
ساختار و فرایند	32 تمرکز و رسمیت در ساختار دانشگاه
	33 عدم تفکیک و شرح وظایف دقیق برای بین اساتید و کارمندان در راستای تحقق اهداف توسعه علوم انسانی

تقویت مدیریت علمی و استقلال دانشگاهی؛ جایگاه‌بخشی به اجتماعات علمی و نهادها و انجمن‌های علمی، پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه؛ کمک به پیشبرد و سرعت بخشیدن به فرایند توسعه علوم انسانی، برقراری ارتباطات علمی در سطح داخلی و بین‌المللی و ایجاد جو سازمانی پویا و صمیمی از مصادیق فرهنگ مناسب برای توسعه علوم انسانی می‌باشد.

6- مسائل معرفت‌شناختی: یکی دیگر از عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی در آموزش عالی مسائل معرفت‌شناختی می‌باشد. افراد مورد مصاحبه اذعان داشته‌اند که مواردی همچون: انتقال و تعمیم روش‌شناسی علوم طبیعی به علوم انسانی، تفاوت در زیست‌بوم علوم انسانی - اجتماعی در مقابل سایر علوم، تأکید بر مطالعات میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای، ضرورت توجه به دانش بومی و دانش جهانی بر مدیریت توسعه این علوم تأثیرگذار بوده است.

7- مدیریت حرفه‌ای: مدیریت توسعه در حوزه علوم انسانی، همچون سایر مدیریت‌ها در گرو کوشش‌هایی عالمانه است که از تعیین مقصد شروع شده و سپس برای حرکت در مسیر این مقصد ابزارها و امکانات متناسب را تشخیص و به فراخور از آنها استفاده نماید. بنابراین مدیریت توسعه علوم انسانی در تمامی مراحل: تدوین، پیاده‌سازی، اجرا، نظارت و ارزشیابی بر تولید، انتشار و کاربست، نیازمند نگرش و رویکرد علمی می‌باشد تا به درستی مدیریت گردد.

8- نگرش مدیران و اجتماع: تقریباً در اکثر کشورهای جهان، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، علوم انسانی در قیاس با سایر حوزه‌های دانش (علوم تجربی و فنی) به دلیل ناملموس بودن نتایج عملی، از اقبال عمومی و اعتبار اجتماعی کمتری برخوردار است. ولی مسئله در کشور ما زمانی حادتر می‌شود که این نگاه در بین مدیران نیز تسری یافته و علوم انسانی

استفاده از تجارب سایر کشورها و افق‌های ترسیم شده در کشورهای برتر در زمینه توسعه علوم انسانی می‌تواند در برخی جوانب راهگشا باشد و رسالت‌های سه‌گانه علوم انسانی در ابعاد آموزشی (تربیت نیروی انسانی ماهر، مولد و پژوهشگر)، پژوهشی (تولید فکر و اندیشه) و توسعه‌ای - خدماتی (شناخت مسائل و ارائه راه‌حل‌های اصیل و راهگشا و استراتژیک برای جامعه و نهادهای اجتماعی) را تحقق بخشد.

4- قوانین و مقررات: بر اساس کدهای باز به‌دست آمده، اعضای هیئت علمی جامعه مورد نظر معتقدند که قوانین و مقررات موجود حمایت‌کننده دانشجویان، اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی نمی‌باشد. قوانین موجود اغلب تضعیف‌کننده جایگاه علوم انسانی نزد عوام و خواص بوده و اعتبار این علوم را کاهش می‌دهند. همچنین در تأمین و تخصیص اعتبارات، آموزشی و پژوهشی سهم بسیار اندکی از بودجه دانشگاه‌ها و سازمان‌ها به این حوزه و تحقیقاتش تعلق می‌گیرد و حتی در اعطای گرانت‌های پژوهشی نیز به اساتید علوم انسانی مبالغی ناچیز پرداخت می‌شود. حال آنکه تحقیقات علوم انسانی به دلیل نگرانی، زمان‌گیری و حساسیت اجتماعی نیازمند بودجه‌های قابل توجه‌تری می‌باشند.

5- فرهنگ: فرهنگ حاکم بر فضای علمی و جامعه مقوله‌ای است که در بسیاری از جوامع تسهیل‌گر و در برخی مانع توسعه علم می‌باشد. فرهنگ تسهیل‌گر هرگز به راحتی در جامعه ایجاد نخواهد شد و در صورت استفاده از ابزار و ساختارهای مناسب، آراء کارشناسانه، جدیت و استمرار عمل ممکن است یک نسل طول بکشد تا جامعه‌ای فرهنگ لازم را برای توسعه علوم انسانی به‌دست آورد. حرفه‌ای‌گرایی، روحیه و مهارت کارگروهی در بین پژوهشگران این حوزه، جسارت علمی، نقد و پرسشگری، خلاقیت، امید به آینده،

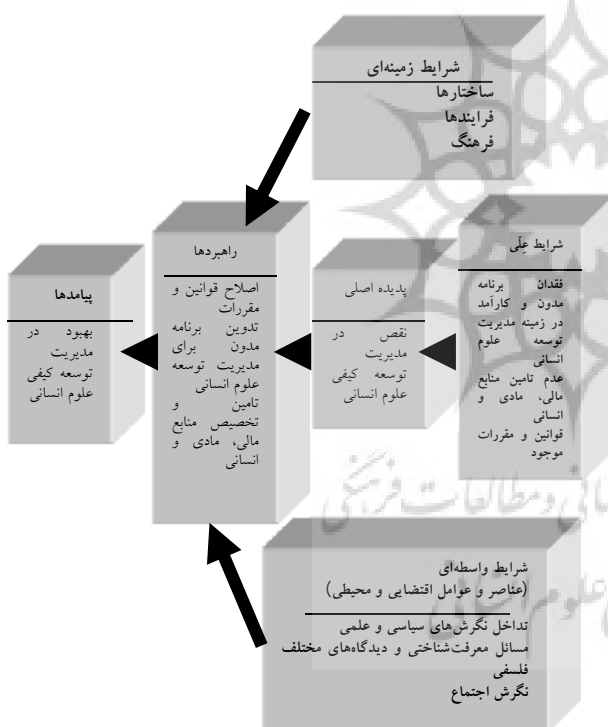
این بخش به تبیین و تشریح الگوی پارادایمی مدیریت توسعه علوم انسانی (شکل شماره 1) می‌پردازیم. این الگوی پارادایمی برگرفته از اشتروس و کوربین (1990:100) شامل عناصر پنج‌گانه شرایط علی، پدیده مورد مطالعه، زمینه تأثیرگذار، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای مورد نظر و پیامدها می‌باشد.

- **شرایط علی:** شرایط علی در واقع شرایطی است که عامل اصلی بوجود آورنده پدیده مورد مطالعه است (محمدی، 1385:101). در تحلیل‌های دریافتی از مصاحبه‌ها علت پدیده «نقص در مدیریت توسعه علوم انسانی»، شرایطی از جمله فقدان برنامه مدون و کارآمد در زمینه مدیریت توسعه علوم انسانی، عدم

را مانند سایر علوم در دو عرصه علم محض و علم کاربردی، قادر به مسئله‌یابی و چاره‌اندیشی پیرامون مسائل و مشکلات انسانی- اجتماعی نمی‌دانند. عدم درک جایگاه و اهمیت علوم انسانی و فراموش کردن نقش آن از سوی مدیران، نگرش منفی اجتماعی را رونق بخشیده و بسترساز عدم حمایت سازمان‌های خصوصی و NGOها از اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه شده است. حال آنکه، بررسی سیاست‌های علمی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که گرچه پیشرفت آنها بیشتر به توسعه فناوری‌های نوین نسبت داده می‌شود ولی، چگونه علوم مشتمل بر علوم زندگی، علوم اجتماعی و انسانی استخوان‌بندی این جوامع مدرن را شکل داده‌اند و موجب پیشرفت و شکل‌گیری ساختارهای آموزشی، دولتی و اجتماعی آنها شده‌اند.

9- ساختارها و فرایندها: براساس نگرش

سیستمی، فرایند توسعه علوم انسانی علاوه بر سه عنصر اصلی نظام علم یعنی استاد، دانشجو و محتوای آموزشی، که با یکدیگر در تعامل‌اند؛ با فرایندها و ساختارهای دیگری نیز در ارتباط می‌باشد. ساختارهای مدیریت و برنامه‌ریزی در سطح کلان و میانی و نحوه تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران و مدیران، فرهنگ حاکم بر جامعه علمی، آزادی علمی، فرایندهای پشتیبانی تسهیل‌گر، نهادهای علمی پویا، توسعه زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات، توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات، توسعه منابع مالی و اعتباری، توسعه منابع انسانی و سرانجام نظام اعتبار سنجی، ارزیابی و نظارت ملی از جمله مواردی محسوب می‌شوند که در مدیریت توسعه علوم انسانی باید مطمئن نظر قرار گیرد. همچنین در نظریه داده بنیاد به منظور تفکر سیستماتیک درباره داده‌ها، از یک پارادایم یا سرمشق استفاده می‌شود که داده‌ها را به صورتی پیچیده با یکدیگر مرتبط می‌سازد. ما نیز در



شکل 1. مدل پارادایمی مدیریت توسعه علوم انسانی بر اساس الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین (1998)

تأمین منابع مادی، مالی و انسانی و قوانین و مقررات در آموزش عالی عنوان شده است.

- پدیده: پدیده، حادثه یا اتفاق اصلی است که سلسله کنش متقابل برای کنترل و اداره کردن آن معطوف می‌گردد (محمدی، 101:1385). پدیده مورد مطالعه در این پژوهش نقص در مدیریت توسعه علوم انسانی در آموزش عالی ایران می‌باشد.
- زمینه: زمینه، نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که در آن راهبردهای کنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (محمدی، 102:1385). یکی از زمینه‌هایی که برای تبیین پدیده مورد مطالعه از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان می‌توان به آن اشاره کرد، ساختار سازمانی و فرایندهای موجود می‌باشد. به اعتقاد ایشان، در ساختار علمی کشور گرچه بر واژه علم تأکید می‌شود ولی همچنان در سیاست‌گذاری، ساختارهای مداخله‌گر، تصدی‌گرا و تمرکزطلب به قوت خود باقی هستند. از سویی دیگر، ساختار علمی که باید از قابلیت انعطاف و پویایی لازم برای هماهنگی با تغییرات و تحولات، پذیرش بازاندیشی، نقادی و نوآوری برخوردار باشد با تمرکزگرایی به فضایی غیر قابل انعطاف تبدیل شده است. زمینه دیگری که منجر به بروز پدیده موجود گردیده است، فرهنگ سازمانی موجود و فرهنگ غالب در جامعه می‌باشد که تشدیدکننده پدیده مورد مطالعه یعنی نقص در توسعه علوم انسانی است.
- شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارند (محمدی، 104:1385). بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و تحلیل آنها شرایط مداخله‌گر در این پژوهش شامل: نگرش سیاست-گذاران و مدیران به علوم انسانی و بعضاً تداخل دیدگاه‌های سیاسی و علمی آنان، غلبه تفکر مهندسی، نگاه منفی اجتماع به علوم انسانی، و دیدگاه‌های متضاد فلسفی درباره موضوعات معرفت‌شناختی در این حوزه می‌باشد.
- راهبرد: راهبردهای مورد نظر در نظریه داده‌بنیاد به ارائه راه‌حلهایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد (محمدی، 105:1385). هدف راهبردهای مورد نظر در نظریه داده‌بنیاد، ارائه راه‌حلهایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه، اداره کردن، به انجام رساندن و حساسیت نشان دادن نسبت به پدیده می‌باشد (محمدی، 105:1385). پدیده برای مطالعه حاضر راهبردها شامل تأمین و تخصیص منابع مالی، مادی و انسانی برای توسعه کیفی علوم انسانی و مدیریت آن، اصلاح قوانین و مقررات، و در نهایت تدوین برنامه برای مدیریت توسعه علوم انسانی می‌باشد. راهبرد دوم از دیدگاه صاحب‌نظران آن است که برای مدیریت مناسب توسعه علوم انسانی، در ساختار سازمانی تجدید نظر شود و ساختاری پویا طراحی شود. بی‌شک نهادسازی مناسب یکی از اولین و مهم‌ترین گام‌ها در این جهت می‌باشد. سومین راهبرد از دیدگاه خبرگان این پژوهش تغییر در قوانین و مقررات موجود همچون: قوانین مربوط به نحوه تصمیم‌گیری درباره مسائل حوزه علوم انسانی، قوانین مربوط به گزینش دانشجو، قوانین مطالعاتی - تحقیقات در سطح خرد و کلان، قوانین اداری - انضباطی، قوانین مربوط به ارزشیابی اساتید و کارکنان و تسلط روحیه کیفیت‌گرایی، قشربندی دقیق بین اساتید، محققان دانشگاهی و کارمندان دانشگاه و تفکیک وظایف، و... می‌باشد. در نهایت آخرین راهبرد، تدوین برنامه مدون و کارآمد برای مدیریت توسعه علوم انسانی می‌باشد.
- پیامدها: اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در مقابله یا جهت اداره و کنترل پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت (محمدی، 107:1385). پیامدها به بهبود کمی و کیفی تولیدات علوم انسانی، بهبود در نظریه‌پردازی، تازه‌گرایی و نواندیشی، کیفیت‌گرایی و... اشاره دارد. بر اساس کدهای احصاء شده در صورتی که توسعه

جدول 4. ماتریس همبستگی مدیریت توسعه علوم انسانی (متغیر ملاک) و عوامل مؤثر بر آن (متغیر پیش‌بین)

متغیر ملاک	عوامل مؤثر
**0.195	تامین منابع مالی و مادی
**0.215	تداخل نگرش‌های سیاسی و علمی
**0.451	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی...
**0.246	قوانین و مقررات
**0.304	فرهنگ
0.307	مسائل معرفت‌شناختی
**0.224	مدیریت حرفه‌ای
0.324**	نگرش اجتماع
**0.355	ساختار و فرایند

$p < 0.01^{**}$, $p < 0.05^*$

مدیریت توسعه علوم انسانی یعنی متغیرهای پیش‌بین با سازه اصلی - مدیریت توسعه علوم انسانی - یعنی متغیر ملاک می‌باشد. چنانچه مشاهده می‌گردد ضرایب مرتبه صفر به دست آمده حاکی از همبستگی خوبی بین متغیرهای مذکور می‌باشد. مطالعه ضرایب همبستگی میان متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک نشان می‌دهد که دو عامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک با ضریب 0.451 و ساختار و فرایند با ضریب 0.355 بالاترین همبستگی را با متغیر ملاک

جدول 5. همبستگی و ضریب تعیین متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی و ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین

خطای معیار	R ² تعدیلی	R ²	R	مرحله
57.897	0.170	0.174	0.417	1
53.721	0.286	0.292	0.540	2

مدیریت توسعه علوم انسانی دارا می‌باشند. از این رو، ابتدا ترکیب خطی این متغیرها با هم، سپس جدول تحلیل واریانس و در نهایت تحلیل رگرسیون گام به گام این متغیرها ارائه گردید.

علوم انسانی به‌طور اثربخش و حرفه‌ای مدیریت شود، اجتماعات و نهادهای علوم انسانی پویا می‌گردند و به‌دنبال آن تعامل سازنده بین صاحب‌نظران این حوزه جهت رویارویی با مسائل، تعامل با دیگر حوزه‌های علوم، کاهش غلبه تفکر مهندسی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علوم انسانی کشور، کاهش مهجوریت علوم انسانی، نظام‌مندی‌سازی تحقیقات، حمایت از استادان و پژوهشگران حرفه‌ای در حوزه علوم انسانی، توسعه ارتباطات علمی در تمام سطوح و حمایت جامع از برنامه‌های نوآورانه در جامعه، تدوین استراتژی‌های کارآمد برای توسعه علوم انسانی و ایجاد بازار کار برای رشته‌های علوم انسانی ایجاد می‌گردد.

- یافته‌های کمی پژوهش حاضر نیز شامل یافته‌های توصیفی و استنباطی می‌باشد. شاخص‌های توصیفی بیانگر مطلوب بودن میانگین و انحراف استاندارد سوالات می‌باشد. یافته‌های استنباطی پژوهش در جهت آزمودن عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی و مشخص نمودن میزان تأثیر هر یک از عوامل در وضعیت موجود آموزش عالی می‌باشد. به‌منظور مطالعه سهم عوامل نه‌گانه فوق‌الذکر بر تبیین واریانس سازه مدیریت توسعه علوم انسانی، مشخص نمودن تأثیر عوامل مؤثر و پاسخ‌گویی به سوال اصلی پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. این روش با رفع نقیصه روش هم‌زمان معادلات ساختاری، میزان تأثیر هر متغیر پیش‌بین را در تبیین واریانس متغیر ملاک گزارش می‌دهد.

قبل از پرداختن به میزان تأثیر عوامل فوق‌الذکر، ابتدا ماتریس همبستگی میان سازه مدیریت توسعه علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن ارائه گردیده است. اطلاعات ماتریس جدول شماره 4 بیان‌کننده ضرایب همبستگی و میزان همپوشی عوامل تأثیرگذار بر

مرحله ورود متغیرهای پیش‌بین معنادار شده و این حاکی از تبیین واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی به وسیله هر دو متغیر پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک و ساختار و فرایند می‌باشد.

نتایج جدول 7 نیز نشان می‌دهد که در اولین مرحله ورود متغیر پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک این متغیر می‌تواند با ضریب 0.417 به تبیین واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی بپردازد.

در دومین مرحله ورود هر دو متغیر پیش‌بین

جدول 6. تحلیل واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی بر حسب متغیرهای پیش‌بین

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F
رگرسیون	167723.53	1	167723.	50.03
باقیمانده	797780.19	238	3352.01	
مجموع	965503.73	239		
رگرسیون	281537.83	2	140768.	48.77
باقیمانده	683965.90	237	2885.93	
مجموع	965503.73	239		

a: متغیر پیش‌بین: سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک

b: متغیرهای پیش‌بین: سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک،

ساختار و فرایند

جدول 7. ضرایب متغیرهای پیش‌بین وارد شده به معادله رگرسیون

مراحل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد	t
	B	خطا	Beta(β)
1	عرض از مبدا	303.65	13.179
	سیاست‌گذاری	7.909	0.417
2	عرض از مبدا	186.56	6.577
	سیاست‌گذاری.	6.990	0.368
	ساختار و فرایند	6.616	0.347

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک و ساختار و فرایند با توجه به استفاده از روش گام به گام و همبستگی تفکیکی، اولین متغیر پیش‌بین به تبیین واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی با ضریب 0.368 و دومین متغیر پیش‌بین با ضریب 0.347 به تبیین این واریانس پرداخته است. از مطالعه ضرایب به دست آمده مشخص گردید که متغیر پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک با قدرت بیشتری می‌تواند واریانس متغیر ملاک را تبیین نماید.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف از انجام این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی، طراحی الگوی پارادایمی پدیده مورد نظر به کمک نظریه داده‌بنیاد و

با مطالعه نتایج جدول 5 می‌توان اعلام نمود که 28.6% از واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی به وسیله متغیرهای پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک، و ساختار و فرایند تبیین می‌گردد. همچنین همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نتایج جدول 6 نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک و ساختار و فرایند با روش گام به گام در طی دو مرحله وارد معادله رگرسیون شده‌اند. در مرحله اول فقط متغیر پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک، در مرحله دوم علاوه بر متغیر پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک، متغیر پیش‌بین دوم یعنی ساختار و فرایند نیز وارد معادله شده است. میزان F به دست آمده در سطح معناداری 0.001 در هر دو

بررسی و مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که تأکید بر عامل تامین منابع مالی و مادی به‌عنوان عاملی مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی در اغلب پژوهش‌ها دیده می‌شود. نتایج بررسی‌های گویمارا¹ (2007)؛ کلمینز (2010)؛ فریمن (2005)؛ نیومن و گوتتری (2002)؛ جکسون (2013) و روبین (2013) نشان می‌دهد که این منابع در حوزه علوم انسانی به‌دلیل خیر جمعی در اغلب کشورهای توسعه‌یافته توسط دولت صورت می‌گیرد. تداخل نگرش‌های سیاسی و علمی نیز در برخی از پژوهش‌ها همچون کریمیان (3:1389)؛ طایفی (1379)؛ کارنما (289:1387) و عیوضی (245:1387) به‌عنوان عاملی مؤثر بر این پدیده تبیین گردیده است. نگرش بنیادی حاکم بر جامعه نیز از عواملی است که در مطالعات میرزاپور ارمکی (6:1390) و قبادی (1387) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت و رشد علوم انسانی مطرح شده است. عدم درک جایگاه و اهمیت رشته‌های علوم انسانی برای جامعه، وجود نوعی نگاه آرمان‌گرایانه به علوم انسانی در ایران و فقر نگرش به علمیت و کارکرد علوم انسانی، تعجیل در حل مسائل و بی‌صبری در مواجهه با موضوعات ماهیتاً دشوار و پیچیده علوم انسانی همگی از نگرش منفی عمومی اجتماع به این حوزه ناشی می‌شود که در مطالعات عزیززی (231:1387)؛ کریمیان (5:1389) و میرفردی (236:1386) نیز بیان شده است. مسائل معرفت-شناختی موضوعاتی هستند که به مفروضه‌های اساسی فلسفی، اعتقادی، سیاسی و فردی درباره انسان، طبیعت، عقل و... مربوط می‌شوند. برخی از این عوامل معرفت‌شناختی که با پژوهش حاضر هم‌خوانی داشتند، شامل موارد ذیل می‌باشد: غیبت مطالعات میان‌رشته‌ای در مطالعات مانسیلا و گاردنر² (2003)، قراملکی

آزمون این عوامل در وضعیت موجود آموزش عالی بوده است. همان‌گونه که بیان شد مطالعات اسنادی و نتایج بخش کیفی نشان داد که حداقل 9 عامل اصلی و 33 عامل فرعی بر مدیریت علوم انسانی مؤثر می‌باشند که شامل: تامین منابع مالی و مادی، تداخل نگرش‌های سیاسی و علمی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک، قوانین و مقررات، فرهنگ، مسائل معرفت‌شناختی، مدیریت حرفه‌ای، نگرش اجتماع، ساختار و فرایند می‌باشند. این عوامل بر اساس شاخص‌های کمی نیز مورد بررسی واقع شدند. میانگین نظرات افراد نمونه در خصوص عوامل احصاء شده مؤثر بر توسعه علوم انسانی مقادیر مطلوب و بالاتر از متوسطی را نشان می‌دهد و حاکی از سهم مناسب این عوامل بر مدیریت توسعه علوم انسانی بودند. در بین این عوامل، عامل‌های مسائل معرفت‌شناختی و مدیریت حرفه‌ای دارای کمترین سهم و عوامل تامین منابع مالی و مادی، و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک دارای بیشترین سهم در تأثیر بر مدیریت توسعه علوم انسانی بوده‌اند. همچنین انحراف استاندارد در حد یک و پایین‌تر برای نمرات گزارش شده است که بیانگر مطلوبیت و همگونی پاسخ‌ها به سوالات مطرح شده و پراکندگی پایین نمرات حول و خوش میانگین می‌باشد. نتایج ماتریس همبستگی نیز بیان‌کننده میزان همپوشی عوامل تأثیرگذار بر مدیریت توسعه علوم انسانی یعنی متغیرهای پیش‌بین با سازه اصلی-مدیریت توسعه علوم انسانی- یعنی متغیر ملاک بودند. همچنین ضرایب تبیین و میزان F نشانگر آن بود که درصد بالایی از واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی به وسیله متغیرهای پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک، و ساختار و فرایند قابل تبیین است.

می‌شود. بهرنگی و حسینیان (156:1387) و عبداللهی (156:1387)؛ غلبه تفکر پوزیتیویستی و تعمیم آن به حوزه علوم انسانی در پژوهش‌های گادامر (1994)، پاریداد (29:1387)، میرزاپور ارمکی (69:1390) و ساکی (1387)؛ تأکید بر دانش بومی و عدم پیوند با دانش جهانی در بررسی‌های مهرمحمدی (39:1380) ملکی (1383) و فراستخواه (1386) و نقص در نظریه‌پردازی و فقر نواندیشی در حوزه علوم انسانی در مطالعات خسروی (1387)، لطف‌آبادی (1382) و ربانی و همکاران (1390) نیز عنوان شده است. فرهنگ نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی در این پژوهش، در مطالعات دیگری نیز مورد عنایت قرار گرفته است که می‌توان به تحقیقات شریعتمداری (1384)؛ توفیقی و فراستخواه (1381)؛ تجری (1382)؛ سوماتیپالا (2004)؛ فکوهی (1379)؛ کریمیان (7:1389) و عیوضی (283:1387) اشاره کرد. در مورد عامل مدیریت حرف‌های، منصور (1383)؛ صدیق (1382)؛ کیوانی (5:1383) و نورمحمدی (1381) نیز در بررسی‌های مستقلی، ضعف مدیریت علمی را پراهمیت‌ترین نمود توسعه‌نیافتگی در بخش علوم انسانی ایران بیان می‌کند. در این پژوهش ساختارها و فرایندها به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر مدیریت توسعه علوم انسانی معرفی شده‌اند. توفیقی و فراستخواه (10:1381)؛ فرهومن (2001)؛ هود (2005)؛ الید (2008) و هولت (71:2008) ایجاد ساختارها و فرایندهای مناسب را از الزامات رونق بازار تولید و توسعه علوم انسانی عنوان می‌کنند. از جمله مسائلی که از بعد سازمانی قابل تحلیل است و در این پژوهش نیز به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر مدیریت توسعه علوم انسانی مطرح نظر گرفته است، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری استراتژیک می‌باشد که در پژوهش‌های آراسته (1382؛ 1386) و جکسون (2013) دیده

همچنین با ادغام نتایج بخش کیفی با نتایج بخش کمی مشخص می‌گردد که در میان عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه علوم انسانی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک به‌عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده قوی برای سازه مدیریت توسعه علوم انسانی می‌باشد و از بالاترین مقدار میانگین ($M=6.02$) برخوردار است و کمترین میانگین مربوط به تامین منابع مالی و مادی ($M=4.48$) می‌باشد. این موضوع ظرفیت بالای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را در میان عوامل مؤثر نشان می‌دهد و مدیران را رهنمون می‌سازد که توجه به برنامه‌ریزی کارآمد و استراتژی‌های مناسب اولین گام در جهت مدیریت توسعه علوم انسانی می‌باشد که در این پژوهش به‌عنوان یک شرط علی قلمداد شده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که درصد قابل توجهی (28.6%) از واریانس متغیر ملاک مدیریت توسعه علوم انسانی به‌وسیله متغیرهای پیش‌بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک و ساختار و فرایند قابل تبیین است. پس از این دو عامل، نگرش اجتماع و فرهنگ به‌عنوان عوامل مؤثرتری بر مدیریت توسعه علوم انسانی تلقی می‌شوند که از دیدگاه اعضاء هیئت علمی نیز با عناوینی همچون نبود چشم‌انداز روشن، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هدفمند و قابل اجرا برای مدیریت توسعه این علوم عنوان شده است. همچنین نتایج رگرسیونی نشان می‌دهد که نگرش اجتماع در سطح بعدی اهمیت به‌عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده برای پدیده اصلی تحقیق تلقی می‌گردد. با ادغام این نتیجه با نتایج کیفی مشخص می‌گردد که چون نگرش یک مفهوم

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هدایت فرایند توسعه علوم انسانی از مرحله آغازین تا مرحله اجرا و نهادینه کردن آن همچون هر تغییر و تحول دیگر نیازمند مدیریت است و مدیریت این فرایند بدون شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. از آنجا که رسالت علوم انسانی، سیاست‌گذاری کلان جامعه است، مدیریت آن و رصد عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت بیشتری می‌باشد. این پژوهش با تأکید بر این عوامل راهبردها و پیشنهاداتی را به منظور مدیریت توسعه این حوزه از علوم در اختیار سیاست‌گذاران و اندیشمندان قرار داده تا به کمک آن شاهد شکوفایی در ابعاد مختلف توسعه باشیم.

چندبعدی بوده و شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است که نحوه رفتار افراد را نسبت به یک موضوع تعیین می‌کند. در مورد موضوع علوم انسانی نیز، به دلیل دور شدن این علوم از دغدغه‌ها، مصائب و واقعیت‌های جامعه، چندان مورد استفاده قرار نگرفته و اقبال عمومی نسبت به آنها کاهش یافته است. این نگرش منفی اجتماعی و حتی نگرش منفی در سطوح مدیریتی، بستری نامناسب را برای اشتغال و بازار کار این علوم ایجاد نموده که زمینه‌ساز عدم تسلسل در این دور باطل است. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که در هر حال نگرش افراد مورد مطالعه نسبت به تأثیرگذاری کلیه عوامل ذکرشده بر مدیریت توسعه علوم انسانی در سطح قابل قبولی قرار دارد.

منابع

- توفیقی، جعفر؛ فراستخواه، مقصود. (1381). "لوازم ساختاری توسعه علمی در ایران". فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ش 25.
- خورسندی، علی. (1387). "علوم انسانی در ایران و راه‌های ارتقاء آن". مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی. ج 7.
- داوری اردکانی، محمد. (1379). "سیاست علم و تکنولوژی". نامه فرهنگستان علوم. شماره 16.
- ذاکرسالحي، غلامرضا. (1389). "وضعیت تولید و انتشار کتاب‌های علوم اجتماعی در ایران براساس الگوهای علم‌سنجی". مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره یازدهم، ش 1.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید؛ ربانی، رسول؛ ادیبی‌سده، مهدی؛ افقی، نادر. (1390). "تحلیل جامعه‌شناختی شیوه‌های تولید علم؛ تاملی در رویکردهای نوین". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره چهارم. ش 4.
- رحمان‌سرشت، حسین. (1382). رؤس برنامه تحول در علوم انسانی و اجتماعی ایران. وزارت علوم تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- آراسته، حمیدرضا. (1386). "چارچوبی برای تدوین نقشه توسعه علمی کشور: رویکرد سیستمی". فصلنامه رهیافت، دوره چهارم، ش 40.
- ابراهیمی، مهدی. (1388). "زمینه‌ها و عناصر اساسی تولید علم". مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی: دفتر اول. ص 57.
- اسدزاده، زهرا. (1387). "بررسی میزان تولید اطلاعات علمی توسط اعضاء هیئت علمی دانشگاه زابل". پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری. دانشگاه آزاد واحد تهران.
- انتظاری، یدالله. (1392). "تحلیلی بر عملکرد بودجه در دانشگاه‌های دولتی". فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ش 57.
- بهرنگی، محمدرضا؛ حسینیان، سیمین. (1387). "بسترسازی افزایش اثربخشی رشته‌های علوم انسانی با کاهش موانع ادراک متقابل سایر رشته‌ها". مقالات کنگره علوم انسانی. ج 8.
- پاریاد، رحمان. (1387). "چالش‌های فراروی تحقیقات در حوزه علوم انسانی". مجموعه مقالات علوم انسانی. ج 5.

- رفیع پور، فرامرز. (1381). موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (1388-1392). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.
- ساکي، رضا. (1387). "تفکر نظام‌گرا: پیش‌نیاز توسعه پژوهش در حوزه علوم انسانی". مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی. ج 7.
- شریعت‌مداری، علی. (1384). جایگاه علوم انسانی در تولید علم. تهران: سازمان چاپ نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- صافی، احمد. (1386). "اهمیت جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش، تلاش‌ها، چالش‌ها و سیاست‌های آینده". پژوهش‌نامه آموزشی پژوهشکده تعلیم و تربیت. شماره 35.
- صبوری، علی‌اکبر. (1383). "بررسی کارنامه پژوهشی ایران در سال 2002 میلادی". فصلنامه رهیافت. ش 28.
- صدیق سروستانی، مهدی. (1377). "بررسی عوامل مؤثر بر رشد و پویایی تحقیقات علوم انسانی در دانشگاه تهران". مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبادالهی، حمید. (1387). "موانع رشد و پویایی علوم انسانی در ایران". مجموعه مقالات علوم انسانی. ج 5.
- عزیزی، نعمت‌الله. (1387). "وضعیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها". مجموعه مقالات علوم انسانی. ج 6.
- عیوضی، محمدرحیم. (1387). "آسیب‌ها و موانع علوم انسانی در ایران". مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی. ج 8.
- فضل‌الهی، سیف‌اله؛ ملکی‌توانا، منصوره. (1390). "راه‌کارهای برون‌رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه‌ها". فصلنامه معرفت، سال بیستم، ش 171.
- فکوهی، ناصر. (1379). از فرهنگ تا توسعه: توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران. تهران: انتشارات فردوس.
- قانع‌راد، محمدامین. (1383). "گفتگوی پیش‌الگویی در جامعه‌شناسی ایران". مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره پنجم، شماره 1.
- قبادی، حسینعلی. (1387). "آسیب‌شناسی علوم انسانی در ایران". مقالات کنگره ملی علوم انسانی. ج 5.
- قراملکی، فرامرز احد. (1380). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.
- کارنما، اسداله. (1387). "نقش نهادهای کشور در ارتقاء علوم انسانی دانشگاه‌ها". مجموعه مقالات علوم انسانی. ج 2.
- کریمیان، زهرا و همکاران. (1389). "بررسی تأثیرات متقابل جامعه، محققین و دانشگاه بر تولید علم". تهران: فصلنامه پژوهش در آموزش علوم پزشکی. ش 12.
- کوگلان، اندی. (2011). رشد فزاینده تولید علم ایران در جهان.
- ملک، حسن؛ ساروخانی، باقر. (1387). "تحلیل جامعه‌شناختی نقش انجمن‌های علمی در فرایند سیاست‌گذاری آموزشی و پژوهشی کشور". مقالات کنگره علوم انسانی. ج 8.
- منصوری، رضا. (1381). "همچنان اعتقادی به پژوهش نداریم". خبرنامه تحقیقات و فناوری. ش 26.
- موسوی، میرفضل‌اله. (1389). "بررسی امکان ارتقای ایران به ده کشور اول تولیدکننده علم در جهان". فصلنامه رهیافت. ش 30.
- مهدی، رضا؛ یمنی‌دوزی سرخابی، محمد؛ صباغیان، زهرا؛ فاطمی، حسن؛ متحدی، علی‌اکبر. (1388). "ارزیابی استراتژی‌های ملی پژوهش و تولید علم در گروه فنی - مهندسی". فصلنامه آموزش مهندسی ایران. سال یازدهم، ش 42.
- مهرمحمدی، محمود. (1380). جستارهایی در پژوهش در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- میرزاپور ارمکی، ابوالفضل. (1390). "اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راه‌کارهای تحقق آن". فصلنامه رهیافت، ش 49.

وزارت علوم تحقیقات و فناوری. (1381).
"نیازسنجی در اولویت‌بندی طرح‌های پژوهشی
کشور". فصلنامه سیاست علمی و پژوهش
رهیافت. ش 27.

میرفردی، اصغر. (1387). "آسیب‌شناسی و واکاوی
نقش علوم انسانی در توسعه همه‌جانبه کشور".
مقالات کنگره ملی علوم انسانی. ج 6.

- Backer, T.E. (2006). Focus of knowledge utilization. / www.ncddr.org/du/products/Review/.
- Banner, J.M. & Cannon H.C. (1999). *the Elements of Teaching*. Yale University press.
- Bloom, Allan. (1982). 'University Standard and the Decline of Humane Learning in the Western University on Trial, Ed. By John W. Chapman (Berkeley: University of California Press.
- Clark, Tony. (2006). *OECD Thematic Review of Tertiary Education. Country report: United Kingdom*.
- Clemins, Patrick J. (2011). "Introduction to the Federal Budget". American Association for the Advancement of Science.
- Clemins, Patrick. (2011). "R&D in the President's FY 2011 Budget".
- Dobriansky, P., (2006). *The Art of Science Diplomacy*, US Department of State Magazine, Vol. 502.
- Fuhrman, M. (2001). [r.org/du/products/review5](http://www.ncddr.org/du/products/review5).
- Funk, S.G., Tornquist, M.T., Wiese, R.A., & Champagne, E.M. (1995). Barriers and Facilitators of Research Utilization: An Integrative review. *Nursing Clinics of North America*, 30, 395-407.
- Gray, Mel., (2008). "Knowledge Production in Social work: The Gold Standard of Mode 2?", 34th Biannual Congress of the International Association of Schools of Social Work (IASSW) *Transcending Global-Local Divides*, Durban, South Africa, 20-24th.
- Guan, J., and K. Chen. (2010). *Measuring the Innovation Production Process: A Cross - Region Empirical Study of China's High - Tech Innovations*. *Technovation* 30(5): 348-358.
- Guimaraes Pereira, A. (2007). "Science Communications". *The Novi Sad Knowledge Assessment Methodologies*, Fall School.
- Gummet., Philip. (1991). "The Evolution of Science and Technology Policy: A UK, Science and Public Policy, Perspective". Pp31-37.
- Hayton, A. & A. Paczuska. (2004). *Introduction: Education in Demand? In Hayton, A. & Paczuska (eds); Access, Participation and Higher Education: Policy and practice*; London: Kogan Page.
- Hennink, M, Stephenson. R. (2004). *Using Research to inform Health Policy: Barriers and Strategies in Developing Countries, opportunity and Choices Working Paper. N, 9. Pp1-37*.
- Hicks, D. (2004). "The four literatures of social science" in Moed, H.F. (Ed.), *Handbook of quantitative science and technology research*, pp. 473-496. Dordrecht: Kluwer Academic.
- Holm, V.M., & Liinason, M. (2005). *Disciplinary boundaries between the social sciences and humanities: National report on Norway*.
- Holt, R. (2008). *Knowledge utilization in Education*. www.thedratner.com.
- Hood, Christopher. (1995). *The new public management in the 1980s: variations on a theme*. *Accounting, Organizations and Society*, 20(2/3), 93-109.
- Hood, P. (2005). *Perspectives on knowledge utilization in Education*. www.westED.org/ online.
- Hopkins, D.A. (2001). *Teachers guide to Classroom Research*. Third edition Buckingham, U.K. P78.
- <http://www.Horizon2020.org/> The Framework program For Research and Innovation.
- <http://access.isiproducts.com/trials>.
- <http://scimagoir.com/2012/>
- [http://www.AHRC.Uk/Arts and Humanities](http://www.AHRC.Uk/ArtsandHumanities) Research Council of Great Br (2013).
- <http://www.neh.gov/about/chairman/2012acting-chairman>. (America humanities Fundamental)
- http://www.scopus.org.uk/grants_about_his_tory.html.
- <https://www.ria.ie/about/our-work/TaskForceAcademyforHumanitiesandSocialSciencesFederationofEurope2012> Humanities Massachusset Foundation (MFH). (2005). *What are Humanities*, Massachusset Foundation for the Humanities, retrieved from: <http://www.mfh.org/foundation/human.htm>.
- Jackson, S. E., M. A. Hilt & A. S. Denisi. (2013). *Managing Knowledge for Sus-*

- tain Competitive Advantage. San Francisco. USA. Black Well Publishing.
- Klein, J. T. (2005). *Humanities, Culture and Interdisciplinary: The Changing American Academy*, New York: State University of New York Press.
- Klein, J. T., & Newell, W. H. (1998). *Advancing the social sciences through the Interdisciplinary enterprise*, IN W.H. Newell(Ed), *Interdisciplinary: Essays from the Literature*, New York: CEEB,PP:3-22.
- Lason, J. and Azizi, N. (2006). *Education, Training and the Economy: preparing Young people for a Changing Labour Market*. Institute for Educational Research: Jyvaskyla University Press.
- Leach. A. James,. (2011). *The summery of statement in Congress of America*. Base of National Endowment for the Humanities.
- Levacic, R & Glatte, R. (2001). *Really Good Ideas: Developing Evidence-informed Policy and Practice in Educational Leadership and Management*. *Educational Management and Administration*, 29(1), 5-25.
- Lord. K.M and Turekian. V.C,. (2007). *Time for a New Era of Science Diplomacy*, Science, Vol. 315.
- Majumder. MAA. (2004). *Issues and Priorities of Medical Education Research in Asia*. *Annals Academy of Medicine*. 33(2). Pp: 257-263.
- McClinton.J. *Stetler Model of Research Utilization*. By website. Web site: P192, 1997.
- Moed, H. F. (2007). *UK Research Assessment Exercise: Informed Judgments on Research Quality or Quantity?*, *Scientometrics*, 11: Online.
- Moravee, John. (2007). "A New Paradigm of Knowledge Production in Minnesota Higher Education: A Delphi Study: University of Minnesota for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Nowotny, t, Scott, P., Gibbons, M. (2006). "Mode2" Revisited: The New Production of Knowledge", *Minerva*, 41(3), pp. 179-194.
- OECD. (2005). *Science, Technology and Industry Scoreboard Towards a Knowledge - Based Economy*".
- OECD. (2007). *Research and Development Statistics*. Gross domestic Expenditure on R&D by sector of performance and source of Funds. Vol 2007 release 1, tableE1.
- Olade, R. (2008). *Tyler collaborative research utilization, USA* .26th september poster.
- Peterson, JC, et al. (2007). *Framework for research utilization applied to seven case studies, America*.
- Piganiol, Pierre. (2010). "Laying the Foundations of French Science", *Policy Science and Public*, Vol 1/8, No. 1, Feb.1991, PP23-30.
- Sampt. B and D. Mowery. (2005). *University in National Innovation System*, P.209.
- Schler, M. (1996). *Problems of a Society of Knowledge*, tr. M. S. Frings, P.100.
- Schofer, Evan: Francisco O. Ramirez and John W.Meyer. (2000). *The Effects of science on National Economic Development,1970 to 1990*.
- Seipel, M. (2006). *Interdisciplinarity: An Introduction*, Tru, an state University, Kirksville, Missouri.
- Selin, Lindgren, E. (2001). *Sidas Support to NUSESA- Network of Users of Scientific Equipment in Eastern*.
- Sivertsen, G., Larsen, B. (2012). "Comprehensive bibliographic coverage of the social sciences and humanities in a citation index: An empirical analysis of the potential", *Scientometrics*, Vol. 91, Issue 2, pp. 567-575.
- Smith, K. (1990). *What is The Knowledge Economy?*, p.43.
- Stigler, J. W. (2001). *Cultures of Mathematics instruction in Japanese and American elementary school*.
- Wachtler. C, alundin. S, Troein. M. (2006). *Humanities for Medical Students? A Qualitative Study of a medical Humanities Curriculum in a medical School Program*. *BMC Med Edu*; 6: 16.
- www.esf.org/.../humanities-researchers/
Report of the Working Group on Science, Technology and Humanities of Europe (2008, 2011).
- www.innovation.gov.au/.../Budget/.../SRI
Budget T/ The Australian Government's 2012-13 Science, Research and Innovation Budget Tables.
- www.sensus.se/Documents/Ledare/.../Pp_2013_Persiska_110303.